

عباس معیری استاد مینیا تور ایرانی او تصویر گر هویت ایرانی خویش است

گزارشی از: ورنیساره رخشا



فراخ بال به اقصای زمان راه یافت. در عاقبت گشته‌های دور غرق شد و فرهنگ غنی پدیشیاه را مرور کرد و به تازگی رسید که تاریخ گذشته در برابر دیدگانش زنده می‌شود و در آینه صیقل آن انگشتر نور و روشنی را نظاره کرد و مینیاورها با تماها از رمز و راز و اسرار سخن نمی‌گویند بلکه ما را به سفری در اقصای جهان می‌کشاند، به جایی که شاید پاسخ ابهام را بیابند یافت. چه حجت که مردم به اصطلاح مستند از صمیمت و احساس مبتلا شده‌اند. با دیدی تازه و با تحسین برای آفریننده بخش های نمایشگاه، عباس معیری، گالری را ترک می‌کند و از آنها که باعث شده‌اند که چنین نمایشگاهی - که چون یک گل سرخ ایرانی در باغ خورشید ما می‌باشد - برگزار شود. سپاسگزارم.

موفقیت های معیری

آثار معیری تاکنون در ۲۱ نمایشگاه گروهی و در ۹ نمایشگاه فردی در خارج از ایران به نمایش گذاشته شده است و جوایز متعددی برای هنرمند سرشناس ایرانی ما کسب کرده است. جوایزی که معیری بدست آورده به شرح زیر می باشد:

جایزه دوم و مدال نقره چهارمین نمایشگاه بین المللی «شاورویکه» فرانسه ۱۹۷۳

جایزه دوم و مدال نقره هفتمین نمایشگاه بین المللی «شاورویکه» فرانسه ۱۹۷۳

مدال و جایزه شورای استان ازناره به عنوان بهترین نقاش دهمین سال پاییزی فرانسه ۱۹۷۷

دیپلم «وقت تپه» ایتالیا ۱۹۸۰

دیپلم جایزه بزرگ هیئت هدفین نمایشگاه بین المللی نقاشی «وقت داوره» فرانسه ۱۹۸۱

دیپلم و مدال برنز بیستمین هنر معاصر - آکادمی اروپایی هنرهای زیبا - برای مشارکت در فرستینوال بین المللی «آرکاسپو» ۱۹۸۴ - ایالات متحده

مدال اثر جمیع آکادمیک هنر ها - علوم - ادبیات وایسته به آکادمی فرانسه در تاریخ ۲۱ آوریل ۱۹۸۵

نمایشگاه آثار تازه عباس معیری نقاشی و مینیاتور است مشهور ایرانی در تاریخ ۲۰ سپتامبر جاری در سالن ورزشگاه در پاریس با حضور گروهی از هنرمندان و هنرمندان ایرانی و فرانسوی افتتاح شد و با استقبال بسیار روپرو کرد. این نمایشگاه که ۳۶ تابلو از آثار تازه معیری را به تماشا گذاشته است تا تاریخ ۹ نوامبر ادامه دارد. عباس معیری، بدون تردید استاد بزرگ مینیاتور معاصر ایران است. او که هم در نقاشی کلاسیک و هم مینیاتور استاد می باشد، با در هم آمیختن مینیاتور اصیل ایرانی و نوآوری های خویش، هنر پویای ایرانی به هنرستان سراسر جهانی می باشد.

در آثار معیری می توان قدمت تاریخ ایران را مرور کرد. او، که تصویرگر هویت ایرانی خویش است، هنر دوستان غربی را به دور دست خاطراتی که شرق شتاسان و سیاهان گشته از سرزمین دیرپا نقل کرده اند، می برد و تصویری را که آنها با خواندن آثار میوه و سبزی و حافظ و توصیف آن از زبان دلفین جرادند، و گوچه و دیگران در ذهن خود دارند، با تصاویر زنده مجسم می کند.

پانزده سال هفت، معیری را از فرهنگ کهنی که سرچشمه احساس اوست دور نگه داشته و پیونده می تواند سورا براس های راهبری که او گرفته به سرزمین رهاها، به شوره های قضا و به گذشته های دور سفر کند. سرزمینی با دختران سیاه چشم که کشت گسوان و کمان ایران پیوسته آنان غرور و نجابت شرقی را تزئین می کند.

با آثار معیری می توان به گوچه و کنار ایران سفر کرد و نامورترین نقطه تاریخ را در میان پرده های تاریک شاورویکه رویاها ناخوش و ناخوش تا به سرستان های شیراز رسید و حافظ و خالوت نشست. می توان با دختران اسلانه ها، که با کتیوران قاصد پیام عشق می فرستد، سخن گفت و با اهلان رهای دشت های آفرج ایران زمین همسفر شد.

می توان آرزوی پرواز کپیتران را در آفاق های رهایی سخن کرد.

می توان آفاق خورشید را از فراز گذشته های پر زور و رنگ شید. می توان به قضا های پر شکوه عشق و عفاف از زبان ویس و رامین و شیرین و فرهاد و ... گوش دل داد و در نیش می توان با سوزان کش تا به قدم های نور دست است کرد و از ترز اسطوره ها گفت و عفاف را بافت و سپرغ و شاخت.



کرده بود نامه ای به نشر به Letto Persane در پاریس نوشت که مضمون آن چنین است:

در حال حاضر انگلی و گر از ایران، در حال حاضر با داور تصاویری با رنگ های سیاه است و جز تیرگی و خون، جز پرکندگی و نویسی چیز دیگری به ذهن افلاک نمی کشد. یک روز در حالی که با افکار آشفته و دلی گرفته از مسایل لاینحل روز، در راه بودم، گذارم به گالری نقاشی افلاک بر حسب اتفاق روزه آنجا شدم. با آنکه فرصت زیادی نداشتیم، با دیدن تابلوهای خشنان از خود می خود شدم که خود و گرفتاری ها را فراموش کردم در دنیای از رمز و راز غرق شدم. احساس کردم که جسم سبک و سبکتر شد و روحم با می باشد.

در غربی که نام ایران و ایرانی مشرفاد با عشق و محارت است بزرگاری نمایشگاهی که برای بینندگان غربی یاد آور فرهنگ پرشکوه سرزمینی است که پرورگاری مشاهیر تمدن جهان بوده است، کاری است از زنده و غرور آفرین.

برای شناسخت بیشتر این هنرمند سرشناس ایرانی زندگی نامه او را مرور می کنیم:

عباس معیری در سال ۱۳۱۸ در رشت متولد شد. از چهار سالگی به نقاشی علاقه مند شده و با تکیه بر بزرگ، که اولین جیمه رنگ را به او هدیه کرد، جیمه را اسباب بازی دیگر بار رنگ و قلم مو خود را مشغول می داشت. از ۱۲ سالگی نزد استاد دانشیانی که شاگرد کمال الملک بود، شروع به آموختن هنر نقاشی کرد و در پانزده سالگی به محضر استاد بهزاد راه یافت و چند سال تحت تعلیم او بود. سپس با توصیه استاد، در هنرستان هنرهای پسران ناموسی کرد و در آنجا بود که مینیاتور کشی را که در برگرفته نذهب، تشریح و طرح قالی کشی بود، آموخت. و بعد در هنرستان کمال الملک به آموختن استاد فتح جانی پرداخت و از آنجا فارغ التحصیل شد.

معیری سه سال از ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ در هنرستان هنرهای زیبای تهران به آموزش مینیاتور پرداخت و بعنوان جانشین استاد بهزاد هنر مینیاتور کشی را به هنرجویان هنرستان می آموخت. در این باره می گوید:

«منوجه بندهم که هنر مینیاتور کشی ایران که یک از نقاش سنتی بیرون آمدن و پایت رنگ بازاری به خود می گرفت. در واقع مینیاتوره های مامحدود شده بود به تصویر یک عاشق و مشوق و جام میس و ویا یک نوازنده. به همین دلیل احساس مسئولیت می کردم و می گویدم که هنر امروزان را از شکوه مینیاتور ناب و حاکم استاد بهزاد آگاه کنم و آنها را از انحراف بازاری کردن مینیاتور بازاریم. مهارت در هنر نقاشی کلاسیک به سبک غربی و استنادی در فنون مینیاتور کشی برای معیری سبکی خاص به وجود آورده که او را در میان همگان مشخص می کند معیری موفق شده است که موفقیت معیری را در هنر ثبت کند و در پاریس، که مرکز هنر است، دارای مقامی شایسته در میان هنرمندان و هنرشناسان می باشد.

در غربی که نام ایران و ایرانی مشرفاد با عشق و محارت است بزرگاری نمایشگاهی که برای بینندگان غربی یاد آور فرهنگ پرشکوه سرزمینی است که پرورگاری مشاهیر تمدن جهان بوده است، کاری است از زنده و غرور آفرین.

برای شناسخت بیشتر این هنرمند سرشناس ایرانی زندگی نامه او را مرور می کنیم:

عباس معیری در سال ۱۳۱۸ در رشت متولد شد. از چهار سالگی به نقاشی علاقه مند شده و با تکیه بر بزرگ، که اولین جیمه رنگ را به او هدیه کرد، جیمه را اسباب بازی دیگر بار رنگ و قلم مو خود را مشغول می داشت. از ۱۲ سالگی نزد استاد دانشیانی که شاگرد کمال الملک بود، شروع به آموختن هنر نقاشی کرد و در پانزده سالگی به محضر استاد بهزاد راه یافت و چند سال تحت تعلیم او بود. سپس با توصیه استاد، در هنرستان هنرهای پسران ناموسی کرد و در آنجا بود که مینیاتور کشی را که در برگرفته نذهب، تشریح و طرح قالی کشی بود، آموخت. و بعد در هنرستان کمال الملک به آموختن استاد فتح جانی پرداخت و از آنجا فارغ التحصیل شد.

معیری سه سال از ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ در هنرستان هنرهای زیبای تهران به آموزش مینیاتور پرداخت و بعنوان جانشین استاد بهزاد هنر مینیاتور کشی را به هنرجویان هنرستان می آموخت. در این باره می گوید:

«منوجه بندهم که هنر مینیاتور کشی ایران که یک از نقاش سنتی بیرون آمدن و پایت رنگ بازاری به خود می گرفت. در واقع مینیاتوره های مامحدود شده بود به تصویر یک عاشق و مشوق و جام میس و ویا یک نوازنده. به همین دلیل احساس مسئولیت می کردم و می گویدم که هنر امروزان را از شکوه مینیاتور ناب و حاکم استاد بهزاد آگاه کنم و آنها را از انحراف بازاری کردن مینیاتور بازاریم. مهارت در هنر نقاشی کلاسیک به سبک غربی و استنادی در فنون مینیاتور کشی برای معیری سبکی خاص به وجود آورده که او را در میان همگان مشخص می کند معیری موفق شده است که موفقیت معیری را در هنر ثبت کند و در پاریس، که مرکز هنر است، دارای مقامی شایسته در میان هنرمندان و هنرشناسان می باشد.

در غربی که نام ایران و ایرانی مشرفاد با عشق و محارت است بزرگاری نمایشگاهی که برای بینندگان غربی یاد آور فرهنگ پرشکوه سرزمینی است که پرورگاری مشاهیر تمدن جهان بوده است، کاری است از زنده و غرور آفرین.

برای شناسخت بیشتر این هنرمند سرشناس ایرانی زندگی نامه او را مرور می کنیم: